

حضور مستمر در بازار آسیای مرکزی و قفقاز الزامی است

اشاره:

مناسبات اقتصادی با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در سال‌های اخیر دچار نوسانات بسیاری شده است. با وجود آنکه برای جمهوری اسلامی ایران می‌توانست به‌عنوان بازارهای هدف مطرح باشد و پیوسته به روی کالاهای صادراتی ایران توسعه پیدا کند، اما هنوز حجم مناسبات اقتصادی با این کشورها در حد توانمندی‌های موجود نمی‌باشد.

برای بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی سوق‌الجیشی ایران در همسایگی با جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز و گسترش روند آتی مناسبات با این جوامع، کارشناسان نظرات متفاوتی دارند و راهکارهایی را پیشنهاد می‌کنند. خبرنگار نشریه «بررسی‌های بازرگانی» در گفت‌وگو با آقای رضا پاکدامن پژوهشگر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی درباره مناسبات اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری، کاستی‌ها و موانع موجود گسترش روابط و... را جویا شد.

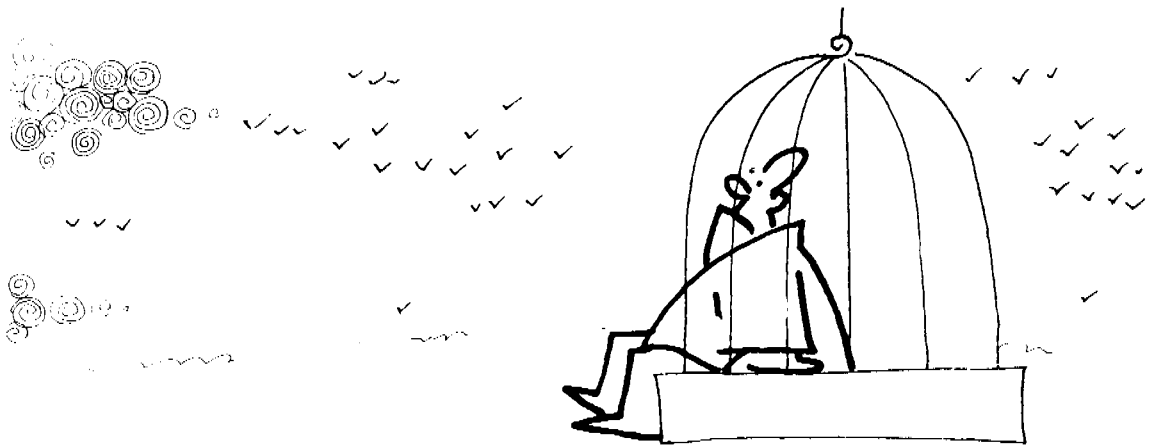
مختلف معدنی دارد. از نظر کشاورزی و دامداری توانمندی بالایی دارد، به‌طوری که قزاقستان در دوران نظام کمونیستی انبار غله اتحاد جماهیر شوروی محسوب می‌شد. در حال حاضر این منطقه از نظر کشاورزی و دامپروری توانمندی‌های بالایی دارد، به‌طوری که اکثر کشورهای غربی در صدد هستند که به آن راه یابند. انعقاد قراردادهای سرمایه‌گذاری‌های مشترک با این جماهیر، نشان‌دهنده رغبت کشورهای غربی برای دستیابی به توانمندی‌های اقتصادی بالقوه موجود در این مناطق است.

○ پس از انقلاب شوروی، کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز درون حصار آهنی قرار گرفتند و ارتباطشان با دیگر کشورهای جهان تقریباً قطع شد، اما بعد از فروپاشی اتحاد شوروی سابق، زمینه‌های ارتباط آنها با جهان خارج برقرار گردید.

■ تاریخچه فعالیت‌های اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را به اختصار ذکر فرمایید.

□ مجموعه کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز از قدیم‌الایام دارای اهمیت اقتصادی قابل توجهی بوده است. در تاریخ روابط بین‌الملل، سفرهای اکتشافی مأموران حاکمان چین به این منطقه برای دسترسی به منابع جدید آمده است. این سفرهای اکتشافی زمینه‌ساز ایجاد مسیر جاده ابریشم از این منطقه به اروپا و آسیای دور بوده است. در مسیر جاده ابریشم مبادلات مختلفی از سوی بازرگانان انجام می‌شده است. پس از انقلاب شوروی و ایجاد مرزبندی در این مناطق، کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز درون حصار قرار گرفتند و ارتباط آنها با سایر کشورهای جهان تقریباً قطع شد.

پس از فروپاشی شوروی، زمینه‌های ارتباطی این منطقه مهم با کشورهای جهان برقرار شد. آسیای مرکزی و قفقاز منابع ارزشمند معدنی از جمله طلا، اورانیوم و سنگ‌های



مرکزی و قفقاز مبادله اقتصادی داشته باشند، می‌توانند کالای خود را از خاک ایران به این کشورها ترانزیت نمایند.

ایران می‌تواند از بسیاری از اعتبارات بین‌المللی که برای توسعه بخش ارتباطات و حمل و نقل آسیای مرکزی و قفقاز مصرف می‌شود، برای توسعه شبکه حمل و نقل داخلی خود به‌ویژه راه‌آهن استفاده کند و آن را تقویت نماید و بازار جهانی را وابسته به امکانات خود سازد.

■ ظرفیت ترانزیت (عبور) کالا از ایران به سوی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را چه میزان ارزیابی می‌کنید؟

□ به نظر من ظرفیت حمل و نقل ترانزیت (عبور) از ایران به این مناطق، بستگی مستقیمی به امکانات ایران برای ارایه به آسیای مرکزی و قفقاز دارد. امکانات بندری باید پذیرایی ناوگان‌های تجاری خارجی باشد. این ناوگان‌ها باید به سرعت تخلیه شوند. ضمناً وجود شبکه رادآهن مدرن و منظم می‌تواند ترانزیت کالا به این مناطق را به‌طور چشمگیری افزایش دهد.

■ در زمینه مرزهای دریایی و زمینی ایران با جماهیر آسیای مرکزی و قفقاز توضیح بفرمایید.

□ از طریق استان‌های خراسان و گلستان مرز زمینی و دریایی وجود دارد. از طریق استان‌های اردبیل و آذربایجان غربی با جمهوری آذربایجان و ارمنستان مرز زمینی وجود دارد.

ارتباط جهان از طریق ایران به ترکمنستان و سایر نقاط آسیای مرکزی است. از ضلع غربی دریای خزر نیز جهان از

■ موقعیت خاک ایران نسبت به منطقه آسیای مرکزی و قفقاز را به اختصار شرح دهید.

□ ایران در همسایگی این منطقه بزرگ است و می‌تواند از امکانات موجود در آسیای مرکزی و قفقاز سود ببرد. ایران با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز مشترکات فرهنگی مختلفی دارد. از سال ۱۹۹۱ که این کشورها توانستند استقلال خود را به‌دست آورند، متأسفانه شاهد برقراری روابط در سطح قابل‌قبول نیستیم. در صورتی که کشورهای مختلف حتی‌الامکان در زمینه‌های مختلف از جمله صدور خدمات فنی مهندسی در این کشورها فعال هستند.

ایران با توجه به مشترکات فرهنگی موجود می‌تواند با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز همکاری‌های اقتصادی مختلفی به‌ویژه در زمینه سرمایه‌گذاری‌های مشترک داشته باشد. زیرا یکی از مشکلات کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز «نقدینگی» است. اکثر کشورها برای راهیابی به این جماهیر از سرمایه‌گذاری‌های مشترک با آنان استفاده کرده‌اند.

گذر (ترانزیت) کالا به این منطقه نیز اهمیت دارد. از آنجا که اکثر کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به آب‌های آزاد راه ندارند. کارشناسان مختلف از جمله کارشناسان سازمان ملل معتقدند که منطقی‌ترین و اقتصادی‌ترین مسیر برای آنها، «خاک ایران» است. ایران می‌تواند از این موقعیت استفاده شایانی کند.

کشورهای اروپایی اگر بخواهند با کشورهای آسیای

طریق ایران با جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان می‌تواند ارتباط داشته باشد.

○ **انعقاد قراردادهای سرمایه‌گذاری‌های مشترک با جماهیر آسیای مرکزی و قفقاز، نشان‌دهندهٔ رغبت کشورهای غربی به دستیابی به توانمندی‌های اقتصادی بالقوه این مناطق است.**

■ **لطفاً بحث دیپلماسی حمل و نقل را به اختصار شرح دهید.**

□ برخی کشورها از این دیپلماسی حداکثر استفاده را برده‌اند. وابستگی بسیاری کشورها که در خشکی محصور هستند به کشورهای دیگر، در سیاست‌های اقتصادی و خارجی این کشورها تأثیر داشته است.

در حال حاضر آمریکا نگران این موضوع است که حمل و نقل آسیای مرکزی و قفقاز به ایران وابستگی بنیادی پیدا کند. در این رابطه نیروهای طالبان با پشتیبانی آمریکا مسیری را برای راهیابی به این جماهیر ایجاد کرده است تا از اهمیت راهبردی ایران بکاهد.

گزارش‌های سازمان ملل در رابطه با شبکه‌های حمل و نقل آسیای مرکزی با جهان حاکی است، یکی از مسیرهای مهم که مورد توجه جهان غرب است، مسیر افغانستان - پاکستان به اقیانوس هند است. با توجه به درگیری‌های شدید و عدم حاکمیت گروه طالبان، این مسیر هنوز باز نشده است.

هدف آمریکا منحرف کردن مسیر ایران است. به طوری که این کشورها با جمهوری اسلامی ایران در ارتباط نباشند.

■ **آیا پروتکل‌ها، قراردادهای و موافقت‌نامه‌های مختلف اقتصادی که کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز از سال ۱۹۹۱ با ایران امضاء کرده‌اند تاکنون ثمراتی به بار آورده است؟**

□ متأسفانه نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که کل مجموعه این موافقت‌نامه‌ها از نظر اقتصادی برای ایران حایز اهمیت نبوده است. بیشترین نفع اقتصادی را این کشورها از موافقت‌نامه‌ها برده‌اند.

اکثر این موافقت‌نامه‌ها در زمینه حمل و نقل است. زیرا این کشورها بیشتر به خاک ایران محتاج هستند تا ایران به خاک آنها.

اکثر موافقت‌نامه‌های بین‌المللی ایران با این کشورها پس از

حمل و نقل در زمینه فرهنگی است. موافقت‌نامه‌های اقتصادی کمترین زمینه را در موافقت‌نامه‌های منعقد شده دارد.

جا دارد در زمینه‌های اقتصادی و بازرگانی به موازات امضاء قراردادهای حمل و نقل و در اختیار گذاشتن امکانات ایران، روابط بازرگانی و اقتصادی ایران با این کشورها تثبیت شود. این امر با امضاء موافقت‌نامه‌های عملی امکان‌پذیر است. البته در زمینه‌های اقتصادی برخی موافقت‌نامه‌ها امضاء شده است که در کل ضمانت اجرایی قوی در بعد بین‌المللی ندارد.

■ **ایران از طریق راه آهن تا کدام نقطه از این منطقه می‌رود؟**

□ راه آهن ایران از بندرعباس تا مرز سرخس که یک مرکز ویژه تجاری است ادامه دارد. این خط از مسیر مشهد می‌گذرد.

■ **از نظر تجارت بین‌الملل، ایران دارای چه موقعیتی در جماهیر آسیای مرکزی و قفقاز است؟**

□ تا با توجه به اینکه شرکت‌های کشورهای عمان، اسرائیل، مالزی و هند و نیز برخی کشورهای اروپایی با بازار کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در ارتباط هستند، باید گفت در تجارت نوین بین‌الملل ارتباط زمینی شرط لازم برای روابط تجاری نیست. خاک ایران این مزیت را دارد که با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز مرزهای طولی زمینی و هوایی دارد، امتیازی که تمامی کشورهای یادشده از آن دور هستند.

این مرزها باعث می‌شود هزینه‌های حمل‌ونقل به شدت کاهش یابد و دسترسی به بازار این کشورها آسان شود.

اگر بخش خصوصی و دولتی ایران قراردادهای قوی با این کشورها امضا کنند، از مزیت همسایگی به خوبی می‌توان استفاده کرد و کالاهای ایرانی را به سادگی و به طور مستقیم در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز از طریق مرزهای زمینی، دریایی و هوایی عرضه کرد.

○ **با توجه به مشترکات فرهنگی میان ایران و جمهوری آسیای مرکزی و قفقاز، ایران می‌تواند همکاری‌های اقتصادی مختلف به ویژه در زمینه سرمایه‌گذاری مشترک با کشورهای مورد بحث داشته باشد، زیرا یکی از مشکلات آنها «نقدینگی» است.**

■ **آیا ایران می‌تواند در این کشورها سرمایه‌گذاری**

طولانی دارد و این کشت و صنعت‌ها قادر به سرمایه‌گذاری در زمینه کشاورزی و صنعتی در آسیای مرکزی و قفقاز می‌باشد. اگر امکانات و استعداد‌های ایران به‌خوبی معرفی شود، به‌طور قطع سرمایه‌گذاران این جماهیر، سرمایه‌گذار ایرانی را به سرمایه‌گذار آمریکایی یا اسرائیلی ترجیح می‌دهند.

■ آیا احیای جاده ابریشم از سوی ایران ثمراتی دربرداشته

است؟

تا تنها راه ارتباطی این منطقه با جهان مسیر سنتی جاده ابریشم است که از آسیای مرکزی به ایران و سپس به ترکیه و یا از اقیانوس هند به مرز جنوبی ایران مرتبط می‌شود. این مسیر برای جهان بسیار حیاتی است و افتتاح راه آهن مشهد - سرخس - تاجن گام مؤثری برای افزایش حمل و نقل به این کشورها بوده است.

نقطه حایز اهمیت این است که باید امکانات جاده ابریشم را با توجه به سبک و مسیر سنتی آن با توسعه حمل و نقل دریایی، جاده‌ای و ریلی ایران تقویت کنیم.

■ به نظر می‌رسد غرب قصد دارد مسیر جاده ابریشم را منحرف ساخته و اهمیت راهبردی ایران را کم‌رنگ جلوه دهد.

نظر شما چیست؟

تا طرحی برای دور زدن مسیر ایران وجود دارد. ترکیه در نظر دارد جاده ابریشم را از داخل ایران منحرف سازد. ترکیه قصد دارد این مسیر را به جای آنکه از جنوب دریای خزر و از خاک ایران به ترکیه متصل باشد، از وسط دریای خزر و با کشتی از قزاقستان و ترکمنستان به غرب دریای خزر، راه ایجاد شود و مسیر ایران را دور بزند.

در حال حاضر ایران در یک موقعیت جهانی قرار دارد. تلاش جهان غرب بر آن است که ایران را از این موهبت جغرافیایی حدادادی محروم کند. آنها سعی دارند ایران را در این زمینه منزوی کنند.

○ وابستگی کشورهای محصور در خشکی به کشورهای دیگر، حتی در سیاست‌های اقتصادی و خارجی آنها تأثیر می‌گذارد و آمریکا نگران آن است که حمل و نقل آسیای مرکزی و قفقاز به ایران وابستگی بنیادی پیدا کند.

■ عملکرد کشورهای رقیب ایران در بازار کشورهای

تا ابتدا باید وضعیت اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را با یک دید کلی بررسی کرد. کشورهای این منطقه پس از انقلاب بلشویکی با یقیه نقاط جهان قطع رابطه کردند و سیاست‌های ملی‌گرایانه شدیدی که در رژیم مارکسیستی سابق بود، حساسیت زیادی برای جماهیر مسلمان ایجاد کرد.

○ ایران می‌تواند از اعتبارات بین‌المللی برای توسعه بخش ارتباطات و حمل و نقل آسیای مرکزی و قفقاز استفاده کند و توسعه شبکه حمل و نقل داخلی به‌ویژه راه آهن را میسر سازد.

سیاست کرملین نسبت به مناطقی که مسلمان‌نشین هستند، یک سیاست استعمارگرانه بود و این منطقه را از نظر اقتصادی عقب نگه داشتند. لذا پس از استقلال در سال ۱۹۹۱ این کشورها با وجود برخورداری از منابع غنی طبیعی و معدنی، از نظر صنعتی بسیار عقب‌مانده هستند. بسیاری از کارخانه‌های آنها با ظرفیت‌های کم و فن‌آوری نازلی کار می‌کنند. از سوی دیگر بسیاری از صنایع ایران در منطقه لااقل از سطح بالاتری برخوردار است.

در صنایع خانگی و قطعات صنعتی، صنعتگران ایران پیشرفت‌های شایانی کرده‌اند و به‌سوی نوآوری و تولیدات جدید گام برداشته‌اند و بسیاری از آنها در مراحل صادرات هستند. صنعتگران و تجار ایرانی در زمینه ارائه خدمات از طریق سرمایه‌گذاری مشترک می‌توانند با این کشورها روابط اقتصادی و صنعتی درازمدت برقرار کنند.

با حضور صنعتگران ایرانی در این مجموعه کشورها، صنعت ایران در منطقه تثبیت خواهد شد. هم‌اکنون با این شیوه بسیاری از شرکت‌های غربی حضور خود را در منطقه تثبیت کرده‌اند.

با توجه به منابع طبیعی بالقوه و بالفعل که در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز می‌باشد، این کشورها آمادگی تولید انواع مختلفی از محصولات کشاورزی را دارند. بسیاری از شرکت‌های غربی به‌ویژه در بخش کشاورزی این منطقه فعال هستند. شرکت‌های اسرائیل غاصب نیز با سرمایه‌گذاری‌های مشترک کشاورزی، زمینه را برای فعالیت به‌وجود آورده‌اند.

ایران در زمینه تشکیل شرکت‌های کشت و صنعت سابقه

آسیای مرکزی و قفقاز را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

□ شاید بتوان گفت تمامی کشورهای رقیب ایران در بازار آسیای مرکزی و قفقاز، از ایران بهتر و موفق‌تر عمل کرده‌اند. ساکنان آسیای مرکزی و قفقاز با توجه به ریشه‌هایی که با ایرانیان دارند، به مصرف کالاهای ایرانی علاقه دارند. متأسفانه عملکرد ضعیف و پراکنده بازرگانان ایران، عرصه را برای سایر رقبای باز کرد و کشورهای چون هند، ترکیه و شرکت‌های اروپایی و آمریکایی، رقیب بازرگانان ایران شده‌اند. بخش بازرگانی ایران اعم از دولتی و خصوصی باید این منطقه را دست‌کم نگیرد و بداند رقبای ایران در این بازارها با قدرت هستند و بازارهای جهان را در دست دارند. باید حرکت به سوی این بازارها با سیاست و هماهنگی کامل انجام گیرد. متأسفانه در آغاز کار تجارت با جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز براساس برنامه مدون انجام نگرفت و در بعد مقرراتی شاهد نوسانات شدیدی بودیم. به طوری که بی‌ثباتی مقررات باعث عدم استمرار در این بازارها شد.

■ صادرکنندگان کالا برای ورود به بازار کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز از چه ارگانی باید اطلاعات اولیه کسب کنند و آیا این بازارها متولی بخصوصی در ایران دارد؟

□ نکته مهم این است که در حال حاضر در کشور متولی مستقیمی در رابطه با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز وجود ندارد. در صورتی که در ترکیه در سال ۱۹۹۲ «آژانس همکاری‌های بین‌المللی» تشکیل شد که اختصاص به جم‌های ترکیه داشت. این آژانس زیر نظر وزارت امور خارجه ترکیه فعالیت‌های اقتصادی این کشورها را هماهنگ می‌کند. در ایران باید مرکزی برای تمرکز فعالیت‌ها باشد.

در این مرکز باید بانک اطلاعات کشور ایجاد شود و اطلاعات لازم در اختیار بخش خصوصی و دولتی قرار گیرد. در این بانک باید اطلاعات لازم از بخش خصوصی و دولتی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جمع‌آوری شود. این مرکز می‌تواند فعالیت‌های اقتصادی ایران در ارتباط با این کشورها را پس از مدتی ارزیابی کند و نقایص آن را برطرف سازد.

در حال حاضر هیچ‌گونه هماهنگی حتی بین شرکت‌های دولتی در رابطه با فعالیت با این کشورها وجود ندارد و این فعالیت در هیچ مرجعی ثبت نمی‌شود.

این مرکز می‌تواند تمامی مشکلات مبتلابه نجار صادرکنندگان کالا به آسیای مرکزی و قفقاز را پیگیری کند و از طریق سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط آنها را برطرف نماید.

■ آیا تجار ایرانی نسبت به کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز شناخت دارند؟

□ اکثر بازرگانان ایرانی که فعالیت خود را با این کشورها آغاز کردند، اولین تجربه کار بازرگانی آنان بوده است. قراردادهای مختلفی نیز با این کشورها منعقد شد که پشتوانه حقوقی و ضمانت اجرایی کافی نداشت، به طوری که اکثر آنها از نتیجه معاملات خود متضرر شدند.

مجموعه این کشورها تا قبل از سال ۱۹۹۱ کشورهای بسته و بکری بودند که برای کمتر کسی در صحنه بین‌المللی شناخت شده بود. کشورهای غربی این کمبود را با دریافت اطلاعات کامل و جامع جبران کردند و این اطلاعات را به سرعت در اختیار بازرگانان خود قرار دادند.

در اروپا و آمریکا امروز بخش ویژه‌ای در رابطه با تحقیقات اقتصادی - بازرگانی و اطلاع‌رسانی در رابطه با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز ایجاد شده است و هر ماه آخرین اطلاعات اقتصادی را به بازرگانان می‌دهد. متأسفانه در ایران هنوز فعالیت سیستماتیک در بخش اطلاع‌رسانی صورت نگرفته است.

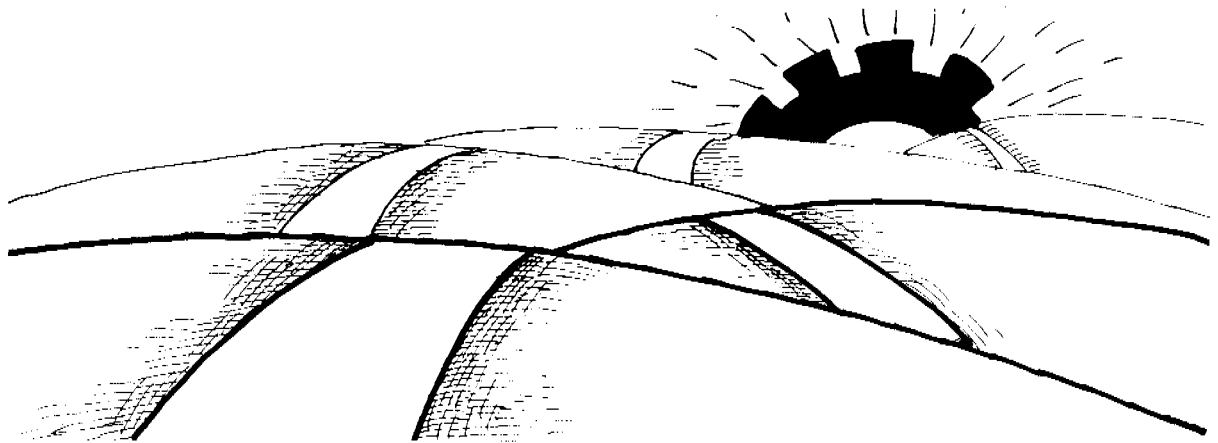
■ مشکلات مبتلابه در روابط بازرگانی با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را ذکر فرمایید.

□ مشکلات روابط بازرگانی با این کشورها را می‌توان به دو گروه برون‌مرزی و درون‌مرزی طبقه‌بندی کرد.

به نظر من مشکلات برون‌مرزی که بازرگانان ایرانی بسیار به آن اشاره دارند را نمی‌توان عامل اصلی و عمده عدم توسعه روابط بازرگانی ایران با این مجموعه از کشورها تلقی کرد، زیرا مشکلاتی از جمله نرخ بالای رشوه‌خواری در این کشورها، مشکلات عدم امنیت کافی برای خارجی‌ان، فقدان سیستم‌های قابل قبول گمرکی و بانکی و غیره، صرفاً متوجه بازرگانان ایرانی نیست و همه بازرگانان خارجی از جمله بازرگانان ترک، اروپایی و آمریکایی با این معضل مواجه هستند، در صورتی که عملکرد آنها بسیار موفق‌تر از عملکرد بازرگانان ایرانی بوده است.

لذا باید ریشه عدم موفقیت بازرگانان ایرانی را در داخل جست‌وجو کرد.

به نظر اینجانب موانع داخلی توسعه روابط بازرگانی با این مجموعه پهناور از کشورها را می‌توان به چهار طبقه تقسیم کرد:



۱- موانع اجرایی

وجود ناهماهنگی بین سازمان‌های دولتی مانع رشد تجارت با این کشورهاست. به عنوان نمونه مقررات بازرگانی در جهت تسهیل و تشویق مبادلات با این کشورها، ناکهان با مقررات ارزی وضع شده توسط بانک مرکزی عقیم می‌گردد.

از واردات و صادرات را می‌طلبید.

در رابطه با این کشورها، به خصوص کشورهای آسیای مرکزی باید دیدی درازمدت داشت، زیرا این کشورها به واسطه دارا بودن منابع طبیعی و معدنی بسیار ارزشمند در میان مدت به کشورهای ثروتمندی هم‌ردیف کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس تبدیل خواهند شد.

بر همین اساس دولت‌های غربی، تسهیلات قانونی متنوعی را حتی به منظور توسعه واردات از این کشورها تخصیص داده‌اند. از جمله می‌توان به تسهیلات اعتباری دولت‌های اروپا، آمریکا و حتی ترکیه به این کشورها اشاره کرد. اهمیت منطقه آسیای مرکزی به حدی است که توجه اکثر کشورهای جهان را به خود معطوف ساخته است، ولی ما از بسیاری از مزیت‌های موجود از جمله مزیت همجواری نتوانسته‌ایم به نحو احسن استفاده کنیم، این در حالی است که بسیاری از کشورها درصد استفاده از خاک ایران برای ورود به بازار آسیای مرکزی هستند و در این رابطه قراردادهای مختلفی امضا شده است و به تدریج ایران در حال تبدیل شدن به یک پل «مجانی» برای اتصال منطقه آسیای مرکزی به بازارهای جهانی است بدون آنکه کشور ما حداقل از این موقعیت در محافل بین‌المللی استفاده کند.

○ عملکرد ضعیف و پراکنده بازرگانان ایران، عرصه را برای سایر رقبا در نفوذ به بازار آسیای مرکزی و قفقاز باز کرد. بخش خصوصی و دولتی ایران نباید این منطقه را دست‌کم بگیرد.

به سختگیری‌های گمرکات کشور نیز می‌توان اشاره کرد که مغایر سیاست توسعه صادرات است. تبیین سیاست کلی کشور توسط دولت و یا شورای عالی کشورهای مشترک‌المنافع و اجرای دقیق آن از بروز این مشکلات می‌کاهد. با توجه به اهمیت فوق‌العاده زیاد منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به نظر اینجانب لازم است توسعه روابط با این مجموعه از کشورهای اولویت نخست در سیاست خارجی کشور برخوردار شود.

۳- موانع اطلاع‌رسانی

ساختار ضعیف اکثر کشورهای مزبور، تخصیص تسهیلات ویژه اجرایی و مالی برای تجارت با این کشورها اعم

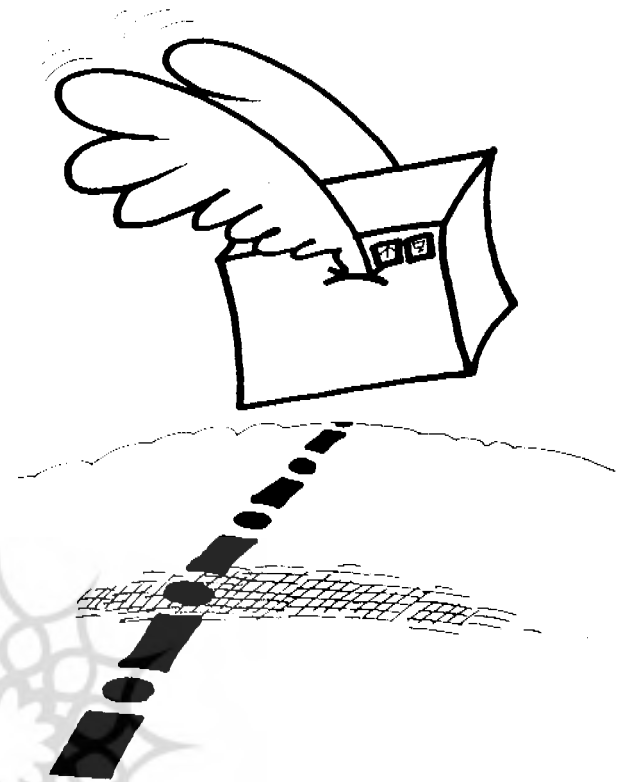
کمبود اطلاع از بازارهای این کشورها و حتی شیوه نوین تجارت بین‌المللی، مشکلی است که تجارت خارجی ما به‌طور

۲- موانع قانونی

اعم و تجارت خارجی ما با این مجموعه از کشورها به طور اخص با آن مواجه است.

داخلی، تحت تأثیر تبلیغات گسترده برای توسعه صادرات، مبادرت به صادرات کالا کرده‌اند و معمولاً کشورهای آسیای مرکزی اولین میدان تجربه آنها بوده است.

این دو گروه، هر دو اولاً فاقد اطلاعات کافی از تجارب نوین بین‌المللی بوده، ثانیاً حتی در مورد تجار کهنه‌کار، بازارهای جمهوری‌های شوروی سابق کاملاً ناشناخته است. خصوصاً اینکه در بخش خدمات فنی و مهندسی کشور ما از مزیت نسبی بالایی برای صادرات به کشورهای آسیای مرکزی برخوردار است. البته در این رابطه تجربه صادرکنندگان کم است. لذا در مورد این مجموعه کشورها، خلاء اطلاعاتی شدیدی بر بخش تجارت خارجی کشور حاکم است. البته با توجه به بسته بودن درهای این کشورها طی دوران حکومت شوروی سابق، این خلاء اطلاعاتی برای سایر کشورها نیز وجود دارد. ولی دولت‌های آنها برای رفع این مانع اساسی، تدابیر وسیعی را اتخاذ کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، وزارت بازرگانی آمریکا، تشکیلات ویژه‌ای برای اطلاع‌رسانی مستمر به بازرگانان این کشور در مورد تحولات حادث شده در آسیای مرکزی و قفقاز (حتی تحولات سیاسی و اجتماعی) دایر کرده است که تحت عنوان «خدمات اطلاع‌رسانی فعالیت‌های انتفاعی در مورد کشورهای جدیدالاستقلال» فعالیت دارد.



○ موانع اجرایی، قانونی، اطلاع‌رسانی و صنفی از موانع عمده تجارت با کشورهای آسیای مرکزی است. باید برنامه وسیع و مستمری برای انجام تحقیقات کاربردی و اطلاع‌رسانی اقتصادی و بازرگانی نیز تنظیم و تدوین شود.

نظر به اینکه کشور ما برای سال‌ها به درآمدهای ارزی سهل‌الوصول حاصل از فروش نفت وابسته بوده، بخش تجارت خارجی آن، نیازی به تکامل و پویایی احساس نکرده است و عمده‌ترین مبادلات خارجی کشور را واردات از چند کشور غربی تشکیل داده و عملیات صادرات بسیار محدود و حداکثر در صادرات فرش به بازارهای اروپایی به‌خصوص آلمان خلاصه می‌شده است. عمده‌ترین تجارت خارجی کشور با شیوه‌های سنتی و توسط افرادی صورت می‌گرفته که حرفه تجارت به عنوان یک شغل خانوادگی به آنها رسیده است.

به موازات این گروه، طی سال‌های اخیر گروه کثیری از افراد ظاهر شده‌اند که بدون تجربه قبلی حتی در زمینه تجارت

اتحادیه اروپا نیز اخبار و تحولات کشورهای جدیدالاستقلال را پیگیری کرده و موضوعات مختلف جوامع این کشور را مورد تحقیق علمی قرار می‌دهد.

به عنوان نمونه، بنیاد اروپایی «تربیت» وابسته به اتحادیه اروپا که در ایتالیا مستقر است، ویژه کشورهای جدیدالاستقلال تأسیس شده و حتی نظام آموزشی کشور قرقیزستان را مورد ارزیابی و تحقیق قرار داده است. در صورتی که ایران با وجود همسایگی با این منطقه حتی از نظام اقتصادی این کشورها بی‌اطلاع است.

لازم است که در کشور ما به‌خصوص در وزارت بازرگانی، با توجه به اهمیت سیاسی و اقتصادی آسیای مرکزی و قفقاز، برنامه وسیع و مستمری برای انجام تحقیقات کاربردی و همچنین اطلاع‌رسانی در زمینه‌های وضعیت اقتصادی و بازرگانی این کشورها از یک طرف و وضعیت قوانین و مقررات اقتصادی و بازرگانی آنها از طرف دیگر به اجرا درآید.

۳ موانع صنفی

یکی از مشکلات دیگر مربوط به عدم حضور موفقیت‌آمیز

باید در این زمینه، دید درازمدتی داشته باشیم. این کشورها دارای ذخایر نفتی و معدنی عظیمی هستند که در حال حاضر توسط بسیاری از شرکت‌های غربی بهره‌برداری می‌شوند و در آینده نزدیک این کشورها ثروتمند و حتی به صورت شیخ‌نشین‌های خلیج فارس درخواهند آمد. ایران باید در این مقطع به‌جز فروش محصولات خود، واردات از این کشورها را در برنامه‌ریزی خود قرار دهد.

■ به نظر شما بهترین محوری که ایران می‌تواند فعالیت اقتصادی خود را با این کشورها ادامه دهد، کدام است؟

□ یکی از محورهایی که ایران می‌تواند فعالیت اقتصادی خود را با این کشورها ادامه دهد، در چارچوب سازمان همکاری اقتصادی «اگو» است.

کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز پس از استقلال، به‌سرعت عضویت در این سازمان را درخواست کردند که مورد پذیرش قرار گرفت. در حال حاضر ۵ کشور آسیای مرکزی و آذربایجان در قفقاز به عضویت اگو درآمدند.

با توجه به مرکزیت «اگو» در ایران و نقش محوری جمهوری اسلامی ایران، این سازمان می‌تواند فعالیت مجموعه این کشورها را انسجام بخشد. با توجه به عضویت این کشورها در اگو چنانچه فعالیت‌های اگو گسترش یابد، و این به سمت منطقه آسیای مرکزی و قفقاز جهت‌دهی شود، می‌توان ضمن تأمین منافع ملی کشورهای این منطقه، حضور مقتدرانه‌تری در این کشورها در قالب اگو داشته باشیم.

بازرگانی ایران در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، نبود هماهنگی بین صادرکنندگان ایران و گاهی رقابت بین آنهاست. در صورتی که بازرگانان سایر کشورها از جمله ترکیه بسیار سازمان‌یافته در بازار این کشورها حضور می‌یابند. برای حل این مشکل پیشنهاد می‌گردد با همکاری اتحادیه‌های صنفی، سمینارهای توجیهی و آموزشی برای صادرکنندگان کالاها به این کشور برگزار گردد و عواقب منفی حضور پراکنده و مقطعی بازرگانان ایرانی در این کشورها برای آنها تشریح شود و به صادرکنندگان بالقوه شیوه‌های نوین تجارت بین‌الملل از جمله مذاکرات تجاری بین‌المللی آموزش داده شود.

○ ایران علاوه بر صادرات کالاهای خود به کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، باید واردات از این کشورها را نیز در برنامه خود قرار دهد.

■ به نظر شما برای گسترش مبادلات اقتصادی با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز چه روشی باید اتخاذ شود؟

□ به نظر من به دلیل وجود مشترکات فرهنگی با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، منافع ملی ایران اقتضا می‌کند در سیاست خارجی خود، توسعه روابط اقتصادی با کشورهای یادشده در اولویت قرار گیرد.

این روابط اقتصادی و بازرگانی می‌تواند در زمینه‌های صادرات، واردات و سرمایه‌گذاری مشترک تحقق یابد. به نظر من نباید فقط با دید فروش کالا به این بازارها نگریم، بلکه

